



موقعیت ژئوپلیتیک و امنیت ملی ایران در دوره‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

حسین شیخ‌زاده^۱، امیرمهدی علیپور^۲

۳۵

چکیده

در طول دوره جمهوری اسلامی با وجود طراحی و اجرای سناریوهای امنیتی گوناگون توسط برخی کشورها جهت تهدید امنیت ملی ایران، تمامیت ارضی این کشور دچار هیچ‌گونه خدش‌های نگردید. این موضوع به تناسب اهمیتی که دارد، قابل تأمل و کنکاش علمی می‌باشد. مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دوره‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چه تأثیری بر امنیت ملی کشور داشته‌است؟ در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده و داده‌ها از طریق مصاحبه به‌دست آمده‌است. بر اساس یافته‌ها؛ نظام‌های سیاسی قاجار و پهلوی به‌دلایلی مانند وابستگی به بیگانگان و فقدان مشروعیت مردمی قادر به استفاده بهینه از موقعیت ژئوپلیتیک ایران نبودند، در نتیجه بخش‌های زیادی از خاک ایران از این سرزمین جدا شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اهمیت ژئوپلیتیک کشور افزایش یافت و به‌تبع آن تلاش دشمنان برای نفوذ و سلطه بر ایران نسبت به گذشته بیشتر شد. با این‌حال عواملی مانند: مردم‌سالاری دینی و احساس تعلق مردم به کشورشان به دفع تهدیدهای امنیتی و حفظ تمامیت ارضی ایران منجر گردید.

کلیدواژه‌ها: ایران، ژئوپلیتیک، تمامیت ارضی، امنیت ملی.

دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۶

بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۳/۰۴

صص: ۳۱-۷

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



مقدمه

امروزه ایران به دلایلی مانند: داشتن جمعیت نسبتاً زیاد، منابع اقتصادی فراوان، ثبات سیاسی، قدرت نظامی و موقعیت ویژه جغرافیایی جزو کشورهای مهم دنیا محسوب می‌شود. این کشور بیشترین ساحل را با خلیج فارس دارد، بر تنگه هرمز مسلط است، کشورهای آسیای مرکزی و دریای خزر را به خلیج فارس و دریای عمان متصل می‌کند و مانند پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته است. ایران از قدیم الایام دارای ارزش و اهمیت سیاسی، نظامی و اقتصادی بوده است. برخی عناصر ژئوپلیتیک کشور در طول تاریخ ثابت بوده و برخی در مقاطع خاص تاریخی به وجود آمده یا حذف شده‌اند. قرار گرفتن ایران در ساحل خلیج فارس یکی از عناصر ثابت اهمیت جغرافیایی ایران بوده است.

این موقعیت جغرافیایی از یک سو زمینه‌های بالقوه افزایش قدرت و ثروت ایران را فراهم می‌کند و از سوی دیگر باعث انگیزش کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی برای سلطه یا نفوذ در ایران می‌شود. موقعیت ژئوپلیتیک به تنهایی سرنوشت سیاسی- اقتصادی و جایگاه ایران در نظام بین‌الملل را تعیین نمی‌کند بلکه در تعامل با عوامل گوناگون از قبیل نوع و میزان کارآمدی حکومت و عوامل متعدد دیگر بر شاخص‌های قدرت و امنیت ملی کشور اثر می‌گذارد. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این سوال است که چرا اهمیت ژئوپلیتیک ایران در دوره قبل از انقلاب منجر به تهدید حداکثری امنیت ملی گردیده و در دوره بعد از انقلاب با وجود استمرار و تداوم اهمیت ژئوپلیتیک و افزایش تهدیدهای امنیتی، تمامیت ارضی کشور حفظ شده است. فرضیه تحقیق این است که ایران هم در دوره قبل از انقلاب و هم در دوره جمهوری اسلامی از اهمیت ژئوپلیتیک برخوردار بوده است اما بعد از انقلاب اسلامی با وجود تهدیدهای امنیتی، تمامیت ارضی کشور حفظ گردید.

پیشینه پژوهش

موضوع این مقاله در هیچ تحقیق مستقلی مورد بررسی قرار نگرفته است اما پژوهش‌های زیادی در ارتباط با این موضوع صورت گرفته است؛ خلاصه تعدادی از این پژوهش‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- خلاصه پژوهش‌های پیشین

نویسندگان، سال و روش استفاده شده	اهداف یا سوالات اصلی	مهمترین یافته‌ها
مختاری هشی (۱۳۹۷)، روش کتابخانه‌ای	۱- تبیین مفهوم اقتصاد ژئوپلیتیکی ۲- بررسی رابطه اقتصاد و ژئوپلیتیک ۲- بررسی اقتصاد ژئوپلیتیکی در ایران	بعد از جنگ سرد نقش اقتصاد در مباحث ژئوپلیتیک برجسته‌تر شد. در ژئو اکونومی از ابزارهای گوناگون استفاده می‌شود و قدرت نرم یکی از ابزارهای مهم در این حوزه است. تحلیل مسائل ایران بر مبنای ژئو اکونومی می‌تواند زاویه جدیدی برای فهم واقع‌بینانه مسائل باز کند.
طائر (۱۳۹۳)، روش کتابخانه-ای و اسنادی	تبیین اهمیت امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز برای دو کشور ایران و آمریکا	عوامل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران و آمریکا عبارتند از: نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی، بازار مصرف، ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت جغرافیایی.
کاویانی-راد (۱۳۸۳)، روش کتابخانه-ای	تبیین مفهوم امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی	۱- تبیین رویکردهای گوناگون نسبت به امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی ۲- در پی فروپاشی شوروی دوره جدیدی آغاز شد که در آن کنشگران نوینی مانند سازمان‌های غیر دولتی وارد عرصه شده، کنشگری دولت را به چالش کشیدند.
متقی و قره-بیگی، ۱۳۹۴، روش توصیفی-تحلیلی	تعیین چالش‌های سیاست خارجی ایران در مقابل دگرگونی‌های ژئوپلیتیک جهانی	ایران می‌تواند با بازشناخت ژرف مختصات ژئوپلیتیکی خود به قدرت کلان منطقه‌ای بدل شود و از انزوای ژئوپلیتیک مصون بماند
خلیلی، ۱۳۹۰، روش کتابخانه‌ای	تعیین ویژگی‌های بافتار ژئوپلیتیک ایران عصر قاجار بر مبنای سفرنامه‌ها	۱- موقعیت ژئوپلیتیک ایران از خارج بر این کشور تحمیل شد و ایرانیان در شکل‌گیری آن نقشی نداشتند ۲-

رفیع، ۱۳۸۷، روش توصیفی- تبیینی	بررسی تحولات علم ژئوپلیتیک در ایران و جهان	ژئوپلیتیک به سه دوره کلاسیک، نوین و فضایی تقسیم می- شود. در دوره نوین مفاهیمی مانند جامعه‌شبکه‌ای، زمان- نگاری، قدرت دموکراتیک و شهروندی جهانی وارد ادبیات ژئوپلیتیک شده‌اند.
کریمی‌مله و بابایی، ۱۳۹۷، روش کتابخانه‌ای	بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) در مورد امنیت ملی	مطالعه تطبیقی آراء امام خمینی با نظریه‌های موجود نشان می‌دهد که رویکرد ایشان با نظریه‌های مدرن قرابت بیشتری دارد تا نظریه‌های کلاسیک.
حاجی‌زاده، ۱۳۹۸، روش کتابخانه‌ای	بررسی رابطه شاخص‌های توسعه سیاسی با امنیت ملی	امروزه تعریف امنیت ملی دچار دگرگونی شده و مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز در کنار شاخص‌های نظامی از اهمیت زیادی برخوردار شده‌اند

اگرچه در مطالعات یاد شده دو موضوع «ژئوپلیتیک» و «امنیت ملی» به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند اما در هیچ پژوهشی رابطه موقعیت ژئوپلیتیک و امنیت ملی ایران به‌عنوان دو متغیر مستقل و وابسته مورد ارزیابی قرار نگرفته‌است. از سوی دیگر وجه نوآوری مقاله حاضر این است که به مطالعه تطبیقی دو دوره تاریخی با ویژگی‌های متفاوت پرداخته و تاثیر انقلاب اسلامی در استفاده بهینه از موقعیت ژئوپلیتیک ایران را بررسی کرده‌است.

مبانی نظری

در این پژوهش مفهوم موقعیت ژئوپلیتیک به معنای کلی به کار رفته است و تحقیق حاضر تاثیرات موقعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران بر امنیت ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین لازم است به مفاهیم ژئواکونومی و ژئواستراتژی نیز اشاره شود؛ واژه ژئوپلیتیک که اولین بار در سال ۱۹۱۶ توسط «ردولف کیلن» دانشمند علوم سیاسی سوئدی مورد استفاده قرار گرفت، بیانگر حیطه‌ای از بررسی جغرافیایی است که عامل فضا را در شناخت چگونگی شکل‌گیری روابط بین‌الملل مهم تلقی می‌کند در قرن بیستم «تأکید بیش از حد استراتژیست‌ها به‌ویژه جغرافیدانان سیاسی موجب تبدیل ژئوپلیتیک به یک مکتب خاص سیاسی گردید.» (فتاحی اردکانی، ۱۳۷۴: ۱۶۵). ژئوپلیتیک اموری نظیر ساختار و

کارکرد قدرت، نزاع، همگرایی و واگرایی، حوزه نفوذ، رقابت، بحران، کنترل سلطه و نفوذ، صلح و همکاری، منابع و محیط زیست، امنیت و ثبات ملی را در بر می‌گیرد (رسولی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳). منظور از ژئوپولیتیک مطالعه و بازشناسی اثرگذاری عوامل جغرافیایی در تصمیم‌گیری سیاسی صاحبان قدرت و سیاستمداران کشورهاست (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰). این مفهوم با جغرافیای سیاسی متفاوت است زیرا «جغرافیای سیاسی اثر تصمیم‌گیری‌های سیاسی انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی مانند حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع و نقل و انتقال مطالعه می‌کند، در حالی که ژئوپولیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون‌شونده جهانی می‌پردازد» (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۶۲). جغرافیای سیاسی با رابطه متقابل جغرافیا و سیاست سر و کار دارد و مفهوم ژئوپولیتیک که نقش عامل فضا در شکل‌گیری روابط بین‌الملل را بررسی می‌کند، جزئی از علم جغرافیای سیاسی محسوب می‌شود. (عباسی سمنانی، ۱۳۹۲: ۹۷) منطقه ژئواستراتژیک از ترکیب جغرافیا، مسائل جهانی و عوامل استراتژیک شکل می‌گیرد. در برخی تعاریف ژئواکونومی را استفاده از موقعیت و قدرت سیاسی و نظامی برای دستیابی به اهداف اقتصادی می‌دانند (Martiningui and Youngs, 2011: 14) در این برداشت، ژئواکونومی عبارت است از تأثیر ژئوپولیتیک بر اقتصاد.

امنیت ملی یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مباحث موجود در هر کشور است که به‌طور کلی به شیوه حفاظت از ارزش‌های یک ملت و جلوگیری از آسیب رسیدن به ارزش‌ها مربوط می‌شود (افتخاری و دبیریان، ۱۴۰۲: ۱۲). امنیت یک کشور یعنی مقدار ثباتی که آن کشور از آن برخوردار است بنابراین چارچوب هر نوع مقوله با ارزش امنیتی باید چند بعدی باشد و بر اساس ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قومی، ایدئولوژیک و نظامی بنا شده باشد. گوهر امنیت پایدار در صدف قدرتمندی یک ملت شکل می‌گیرد. اگر ملتی قدرتمند نباشد، در تلاطم اراده کشورهای مستکبر دچار چالش و فروپاشی می‌شود (حسنی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۹). نقطه مشترک تعاریف امنیت ملی تأکید بر «حفظ وجود خود» می‌باشد. برخی صاحب‌نظران حفظ ذات را در پنج مقوله شامل: حفظ جان مردم؛ حفظ دین، باورها و ارزش‌های مردم؛ حفظ تمامیت ارضی؛ حفظ نظام اقتصادی و سیاسی و حفظ استقلال و حاکمیت کشور دانسته‌اند (مرادیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰). در مجموع امنیت ملی عبارت است از توانایی حکومت برای حفظ سرزمین، جمعیت، ارزش‌های مورد قبول جامعه و دارایی‌ها ملی و فردی شهروندان و ایجاد آرامش لازم جهت کار، تولید و پیشرفت کشور.

ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی به معنای دخالت عوامل طبیعی و جغرافیایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خط‌مشی دولت‌هاست. در این دیدگاه عواملی چون سرزمین یا قلمرو، مرزها، ناهمواری‌ها، آب‌ها، عوامل طبیعی، تراکم جمعیت، پراکندگی واحدها و نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند (فتاحی اردکانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳). ژئوپلیتیک در نیمه اول قرن بیستم با نظریه‌های متعدد توسعه یافت؛ نظریه قلب زمین مکیندر، نظریه قدرت دریایی ماهان، نظریه ریملند اسپایکمن و نظریه قدرت هوایی سورسکس هر یک به نحوی الگوهای فضایی خاصی را ارائه دادند (Glassner, 1993: 22). اندیشه ژئوپلیتیک ناشی از تحقیقات و مطالعات گسترده «راتزل» آلمانی است. وی دولت را همانند موجودی زنده می‌دانست که دارای حرکت و رشد و گسترش است و در اینجا بود که ژئوپلیتیک در جهت این توسعه و تحول مورد توجه قرار گرفته و مطرح گردید (فتاحی اردکانی، ۱۳۷۴: ۱۶۴). به‌طور سنتی دولت-ملت‌ها و سازمان‌های غیرحکومتی و سازمان‌های بین‌المللی جزو کنشگران ژئوپلیتیک شناخته می‌شدند اما امروزه بازیگران جدیدی با استفاده از ابزارهای نوین وارد عرصه ژئوپلیتیک شده‌اند. (کاوایی راد، ۱۳۸۳: ۶۸۸).

جان کلام تحلیل‌های ژئوپلیتیک رابطه قدرت سیاسی و بین‌المللی با محیط جغرافیایی است. در نگرش‌های ژئوپولیتیکی تحول محیط جغرافیایی بر اساس تعبیر انسان از این تحول تغییر می‌پذیرد. (طائر، ۱۳۹۳: ۱۰۶) برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک هم فرصت است و هم تهدید، ممکن است موقعیت خاص جغرافیایی به چالش ژئوپلیتیک تبدیل شود «چالش ژئوپلیتیک هم قدرت نرم و هم قدرت سخت یک کشور را در معرض آسیب قرار می‌دهد» (Allen and Steele, 2010: 1) «موقعیت ژئوپلیتیک ممکن است به انزوای ژئوپلیتیک منجر شود، انزوای ژئوپلیتیک با انزوای سیاسی تفاوت چندانی ندارد و باعث کاهش مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و فرهنگی می‌شود» (Fernandez, 2013: 13). «چالش ژئوپلیتیک عبارت است از وضعیت یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی» (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۲۱) از نظر هانتینگتون ایران مرکز تمدن اسلامی است و اتحاد آن با تمدنی کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد و مجتهدزاده ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپلیتیک پست‌مدرن تصور می‌کند (گودرزی و محمدزاده‌ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

نظریه‌پردازان علوم اجتماعی نیازهای انسان را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: نیازهای اولیه شامل: خوراک، پوشاک و مسکن و نیازهای ثانویه مانند: آزادی، شأن اجتماعی و مشارکت در امور عمومی. اما نیاز به امنیت از نظر اهمیت در صدر نیازهای انسان قرار دارد زیرا موضوع امنیت، حیات انسان و بود و نبود اوست و خوراک، پوشاک و مسکن بدون امنیت فاقد ارزش خواهند بود. بر همین اساس امنیت ملی به عنوان مهمترین نیاز اجتماعی در رأس اهداف ملی کشورها قرار دارد. اگرچه امنیت ملی نیز مانند سایر مفاهیم علوم سیاسی فاقد تعریف واحد است اما در مورد اهمیت و نقش حیاتی آن همه متفق القول‌اند و هیچ یک از اندیشمندان در این مورد تردید ندارد.

ریشه‌های رقابت میان کشورها و قدرت‌ها در عرصه جهانی از دو دیدگاه کلی قابل بررسی و صورت‌بندی است: نخستین علت عبارت است از وجود پیشینه ایدئولوژیک و نقش آن در بروز رقابت میان قدرت‌های جهانی. الگوی دیگر الگوی عقلانی رقابت است که سرشت رقابت در میان قدرت‌ها را بر پایه منافع ملموس مانند دسترسی به منابع طبیعی، انرژی و موقعیت ژئواستراتژیک قرار می‌دهد. (متقی و قره‌بیگی، ۱۳۹۴: ۱۳۹) «بوزان از سه گونه تهدید امنیتی یاد می‌کند: گروه اول تهدیداتی هستند که ایده دولت (ناسیونالیسم) را تهدید می‌کنند. تهدیدات نوع دوم متوجه وجود فیزیکی و مادی دولت (شامل جمعیت و منابع) می‌باشند و مجموعه‌ای از تهدیدات نیز سازمان دولت یا سیستم سیاسی را هدف قرار می‌دهند» (علینقی، ۱۳۸۲: ۱۴). از نظر بوزان دستور کار امنیت نظامی عمدتاً حول توانایی حکومت‌ها برای حفاظت از خودشان در برابر تهدیدات نظامی داخلی و خارجی دور می‌زند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۸-۸۶).

به عقیده بوزان، تا زمانی که سیاست بین‌الملل با ساختار آنارشی همراه است، تهدیدات نظامی دارای اهمیت‌اند، اما در عمل، به‌خصوص برای کشورهای توسعه‌یافته، میزان اهمیت آنها در مقابله با سایر تهدیدات در حال کاهش است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۸) اندیشه دولت و به ویژه هویت ملی و ایدئولوژی سازمان بخش آن و نهادهایی است که تجلی آن می‌باشند، آماج تهدیدهای سیاسی قرار می‌گیرند. بدین ترتیب تهدیدات سیاسی متوجه ۱- مشروعیت داخلی واحد سیاسی ۲- مشروعیت خارجی آن ۳- مشروعیت ایدئولوژیک خواهند شد (بوزان و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۲۲) بنابراین می‌توان گفت که امنیت سیاسی درباره ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشند (درویشی، ۱۳۷۶: ۴۸) بر اساس مدل نظری این پژوهش موقعیت

ژئوپلیتیک هم به صورت مستقیم و هم از طریق متغیرهای میانجی با امنیت ملی در ارتباط است؛ کشورها برای دستیابی به مقاصد سیاسی خود از ژئوپلیتیک به انحاء گوناگون بهره می‌برند؛ یکی از مهمترین کاربردهای ژئوپلیتیک تهدید امنیت دیگران به منظور دستیابی به منافع مادی و غیر مادی خود می‌باشد. موقعیت جغرافیایی ایران که تحت عناوینی مانند هارتلند(قلب زمین) از آن نام برده شده است، در طول تاریخ معاصر در کاهش یا افزایش ضریب امنیت ملی این کشور تاثیر قابل توجهی داشته است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای بوده و در آن از روش تحقیق کیفی و مقایسه‌ای استفاده شده است؛ داده‌ها نیز از طریق بررسی اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. مقایسه در علوم سیاسی کاری عادی است و برخی اندیشمندان این روش را تخصصی‌ترین روش در علوم سیاسی بریتانیا دانسته‌اند. از آنجا که تطبیق دوره‌های تاریخی با استفاده از روش‌های تجربی و پیمایش امکان‌پذیر نیست، مقایسه بهترین روش برای اینگونه مطالعات است. تحلیل مقایسه‌ای به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد و یکی از شیوه‌های رایج آن مقایسه مقاطع تاریخی در یک کشور خاص می‌باشد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اهمیت ژئوپلیتیک ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دوره‌های قاجار و پهلوی از ابعاد مختلفی اهمیت داشته و هر یک به نحوی بر امنیت ملی این کشور تأثیر گذاشته‌اند. در ادامه به توضیح این ابعاد پرداخته می‌شود.

۱- همسایگی با قدرت‌های بزرگ: «آن بخش از جهان که خاورمیانه خوانده می‌شود، در حقیقت مجموعه‌ای از چند منطقه ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز همانند خلیج فارس، شامات و شمال آفریقا است که هر یک به دلیل هماهنگی موجود در پدیده‌های محیطی خود، یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است» (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۴). «در میان مناطق جهان سومی، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، تنها منطقه‌ای که با توجه به توانایی‌های بالقوه داخلی به شدت تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی بین‌المللی قدرت‌های بزرگ باقی ماند، خاورمیانه بود» (سریع‌القلم، ۱۳۸۴: ۳۸). بر اساس

داده‌های پیمایش، همسایگی ایران با بزرگ‌ترین مستعمره انگلیس، یعنی هند، و همچنین ابرقدرت روسیه تزاری، به‌عنوان دو عامل کلیدی مطرح می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌است: «ایران در آن زمان در موقعیتی قرار داشت که همواره در معرض تهدیدات خارجی بود. همسایگی با هند و روسیه باعث شده بود که ما همواره باید مراقب تحرکات آن‌ها باشیم.»

۲. قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه: قرارگرفتن ایران در منطقه‌ای که به‌عنوان خاورمیانه شناخته می‌شود، برای این کشور از نظر استراتژیک بسیار حائز اهمیت بوده‌است. «مهم‌ترین ویژگی این سرزمین استقرار آن در منطقه حائل است که به آن نقش برجسته گذرگاهی بخشیده‌است» (حیدری، ۱۳۸۴: ۵۲). این موقعیت به ایران اجازه می‌دهد تا به‌عنوان یک پل ارتباطی میان شرق و غرب عمل کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفته‌است: «موقعیت ایران در خاورمیانه آن را به یک کانون قدرت تبدیل می‌کرد، اما در عین حال، تنش‌ها و رقابت‌های سیاسی نیز به شدت افزایش می‌یافت.»

۳- دسترسی به سواحل خلیج فارس و دریای عمان: تجار اروپایی و آسیایی کالاها را مورد نیاز بازارهای اروپا را از چین و آسیای مرکزی تهیه می‌کردند و از راه‌های دریای سیاه، خلیج فارس، دجله و فرات، سوریه، دریای احمر و اسکندریه به بازارهای مورد نظر می‌فرستادند (تاج‌بخش، ۱۳۶۲: ۵). دسترسی ایران به سواحل خلیج فارس و دریای عمان این کشور را به یک مسیر مهم تجاری و اقتصادی تبدیل کرده‌است. این نقطه جغرافیایی به ایران امکان می‌داد تا با کشورهای مختلف تجارت کند و از منابع طبیعی خود بهره‌برداری نماید. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه گفت: «خلیج فارس نه تنها یک منبع ثروت بود، بلکه در طول تاریخ، کنترل بر این آبراه‌ها همواره برای ما یک اولویت امنیتی محسوب می‌شد.»

۴. کمربند امنیتی غرب: قرار گرفتن ایران در کمربند امنیتی غرب در اطراف شوروی به معنای آن بود که این کشور همواره باید برای حفظ امنیت ملی خود در برابر تهدیدات احتمالی شوروی آماده باشد. این موضوع موجب تقویت ساختارهای دفاعی و نظامی ایران شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت: «این موقعیت جغرافیایی ما را وادار به ایجاد استراتژی‌های نظامی خاصی می‌کرد، چراکه نمی‌توانستیم نسبت به تحرکات شوروی بی‌تفاوت باشیم.» ژنرال سرپرسی سایکس، مأمور حکومت انگلیسی هند در پلیس جنوب، در سفرنامه خود می‌نویسد: «دولت انگلیس برای تسلط بر هندوستان و افغانستان و بلوچستان، بسط و توسعه نفوذ و سیطره خود را در ایران لازم و واجب می‌داند.» (بهار،

۱۳۵۷:۴۲۷). «در طول جنگ سرد، استراتژی جهانی ایالات متحده با ضرورت مهار کمونیسم همراه شد. از این رو سیاست آمریکا در قبال خلیج فارس در چارچوب مقابله با گسترش کمونیسم و نفوذ شوروی در خاورمیانه، درک و اجرا شد.» (Sick, 2003: 307-309)

۵. همسایگی با مرکز ترویج مارکسیسم: همسایگی با کشورهایی که مروج ایدئولوژی مارکسیسم بودند، برای ایران چالش‌های خاصی را به وجود آورد. این همسایگی منجر به نگرانی‌های امنیتی و تهدیدات ایدئولوژیک برای رژیم‌های حاکم شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌است: «وجود همسایگان مارکسیست ایران را مجبور به اتخاذ سیاست‌هایی در زمینه کنترل و سرکوب تفکرات انقلابی کرد.»

۶- پیدایش نفت در ایران: پیدایش نفت در ایران به‌عنوان یک منبع غنی طبیعی، تأثیرات عمیقی بر سیاست‌ها و امنیت ملی این کشور داشت. یکی از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره کرد: «نفت نه تنها ایران را ثروتمند کرد، بلکه به‌نوعی کشور را به صحنه رقابت‌های جهانی تبدیل نمود و این موضوع چالش‌های خاص خود را به همراه داشت» در نهایت، موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دوره‌های قاجار و پهلوی، بر امنیت ملی این کشور تأثیرات زیادی گذاشت و همچنان به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در سیاست‌های داخلی و خارجی ایران محسوب می‌شود.»

جدول شماره ۲- پاسخ‌های مربوط به اهمیت ژئوپلیتیک ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

گزاره	فراوانی
همسایگی با هند	۶
همسایگی با روسیه تزاری	۴
قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه	۷
قرار گرفتن در سواحل خلیج فارس	۸
قرار گرفتن در ریملند	۲
قرار گرفتن در کمربند امنیتی غرب در اطراف شوروی	۵
قرار گرفتن در مسیر تجارت جهانی	۴
همسایگی با مرکز ترویج مارکسیسم	۳
حلقه اتصال آسیای میانه و قفقاز با خلیج فارس و دریای عمان	۶
پیدایش نفت در ایران	۷

ژئوپلیتیک و امنیت ملی در دوره قبل از انقلاب اسلامی

موقعیت ژئوپلیتیک ایران در دوره قاجار و پهلوی از طریق ساز و کارهای گوناگون بر امنیت ملی کشور تأثیر گذاشت. بر مبنای پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و منابع کتابخانه‌ای برخی از این تأثیرات را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- تجزیه ایران در دوره قاجار: یکی از تأثیرات عمده موقعیت ژئوپلیتیک ایران، حملات مکرر روسیه به این کشور بود که به منظور دسترسی به آب‌های گرم و تهدید هند (مستعمره انگلیس) رخ داد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اظهار داشت: «حملات روسیه به ایران به‌عنوان یک تهدید دائمی وجود داشت و ما همواره باید در برابر این خطرات آماده می‌بودیم.» روس‌ها در دو دوره ۱۰ ساله و ۲ ساله با ایران جنگیدند و در هر دو دوره ایران شکست خورد؛ مهمترین عامل شکست ایران در این جنگ‌ها ناکارآمدی و فقدان مقبولیت مردمی حکومت بود. «در ایران مردم که حکومت‌ها را از خود بیگانه می‌دانستند، بیشتر مواقع در برابر بیگانگان از کشور دفاع نمی‌کردند؛ در دوره اول جنگ‌های روسیه برای اینکه مردم ایران در این نبرد دولت قاجار را حمایت معنوی نظامی و مالی بکنند فتوای روحانیان برای شرعی جلوه دادن نبردها ضروری بود.» (دهقان‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹) پس از انقلاب سوسیالیستی روسیه برای مدتی تهدیدهای ژئوپلیتیک روسیه به فرصت تبدیل شد.

—حوزه قفقاز (معروف به ۱۷ شهر قفقاز): شامل کشورهای: گرجستان، ارمنستان، اوستیای شمالی و جنوبی، آبخازی، دولت باکو و مناطق تحت تسلط روسیه شامل، داغستان و چچنستان —حوزه آسیای میانه یا ماوراءالنهر): شامل کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان —حوزه ایران شرقی: شامل افغانستان و هرات و دو سوم بلوچستان و کلات در پاکستان. افغانستان در تمام ادوار تاریخی، بخش جدایی‌ناپذیر ایران بوده‌است. تنها در یک دوره کوتاه بعد از حکومت نادر شاه، احمدخان ابدالی در آن سرزمین سلسله «درانی» را بنیان نهاد. پس از آن اخلاف او از حاکمیت ایران اطاعت کامل داشتند (مشیری، ۱۳۴۷، ۱۹). در جنگ‌های دوره اول حدود ۲۰۰ هزار نفر از ایرانی‌ها کشته شدند و با جدایی شهرهای قفقاز دو میلیون نفر از جمعیت ایران جدا شد (رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

۲- جدایی بخش‌هایی از خاک ایران در دوره پهلوی: در سال ۱۳۱۶ در زمان رضاشاه یکی از بدترین قراردادهای به نام پیمان سعدآباد منعقد شد. بر اساس این پیمان که با سه کشور اطراف یعنی عراق، ترکیه

و افغانستان بسته‌شد، بخش مهمی از آزارات که جزئی از ایران بود، به آتاتورک واگذار شد. بخشی از ایران به افغانستان واگذار شد و بخشی از مرز ایران در منطقه اروندرود به عراق واگذار گردید. بحرین از قرون باستان بخشی از خاک ایران بود، بعد از اسلام نیز همچنان این وضعیت ادامه داشت. در قرن شانزدهم به تصرف پرتغالی‌ها درآمد اما شاه عباس اول توانست این منطقه را مجدداً به ایران ملحق سازد. این الحاق ۱۸۰ سال طول کشید و در این مدت بحرین کاملاً زیر سلطه ایران بود. در سال ۱۷۸۳ خاندان آل خلیفه موفق شدند با حمله به بحرین بر آن مسلط شوند این خاندان که توانایی اداره بحرین را نداشتند، تحت‌الحمایه انگلیس قرار گرفتند. از این زمان به بعد چندین بار حکومت‌های قاجار و پهلوی برای بازپس گرفتن آن از طریق دیپلماتیک اقدام کردند اما به دلیل ضعف آنها در برابر انگلیس، راه به جایی نبردند. سرانجام در سال ۱۹۷۰ با خروج انگلیس از منطقه، بحرین از ایران جدا شد. (اسدی، ۱۳۹۲: ۱۸۳-۱۷۲). یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «این جدا شدن‌ها موجب شکاف‌هایی در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران شد و ما را در برابر تهدیدات خارجی آسیب‌پذیرتر کرد.»

نقض استقلال سیاسی:

در دوره پهلوی دوم انتصاب نخست‌وزیران، برنامه خرید اسلحه و... با اجازاره آمریکا صورت می‌گرفت. در سال ۱۳۴۱ شاه به آمریکا سفر کرد، در این سفر کندی از او خواست تا ارتش ۲۰۴ هزار نفری ایران را در یک دوره دو تا سه ساله به ۱۵۰ هزار نفر کاهش دهد. شاه در این سفر به کندی قول داد که اصلاحات مورد نظر آمریکا را شخصاً اجرا کند به شرط آنکه از علی‌امینی حمایت نکند (مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۷۹) و شاه بعد از بازگشت به ایران امینی را از نخست‌وزیری برکنار کرد.

۵- سلطه اقتصادی: انگلستان در دوره قاجار بیش از ۲۰ امتیاز مهم اقتصادی، سیاسی و نظامی در ایران به دست آورد. در دوره پهلوی عصر امتیازات دردنیا رو به پایان بود، به ویژه از سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۵) که دوره استقلال کشورهای مستعمره آغاز گردید، کسب امتیازات به شدت کاهش یافت با این حال در ایران واگذاری امتیازات همچنان ادامه داشت. دو مورد از مهمترین امتیازات اقتصادی این دوره عبارتند از:

الف-قرارداد ۱۹۳۳ میان ایران و انگلستان که انحصار انگلیس بر نفت ایران را تمدید کرد و مقرر شده بود نفت ایران تا سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲ شمسی) در اختیار انگلیس باشد.

ب-قرارداد موسوم به کنسرسیوم نفتی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد منعقد شد. در قرارداد کنسرسیوم انگلیس ۴۰ درصد از نفت ایران را به دست آورد علاوه بر آن انگلیس در شرکت هلندی رویال داچ شل که ۱۴ درصد از سهام را به دست آورده بود نیز سهم داشت. در این قرارداد با یزر پا گذاشتن دستاوردهای ملی شدن صنعت نفت، چند کشور از جمله آمریکا، انگلیس و فرانسه نفت ایران را به صورت انحصاری به دست آوردند. این قرار داد به صورت تحمیلی و یک جانبه منعقد گردید. به گفته هوشنگ مهدوی «بسیاری از نمایندگان مجلس هجدهم از متن قرارداد که پیش‌نویس آن در لندن تهیه و از زبان انگلیسی ترجمه شده بود، سر در نمی‌آوردند» (مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۳۰).

جدول شماره ۳- پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه تأثیر ژئوپلیتیک بر امنیت ملی در دوره قبل از انقلاب

گزاره	فراوانی
حمله روسیه به ایران برای دسترسی به آب‌های گرم	۹
همسایگی با شوروی تا قبل از استالین برای ایران فرصت بود	۳
انعقاد قراردادهای زینبار گلستان، ترکمنچای و...	۸
جدا شدن منطقه چکاب از ایران در دوره رضاشاه	۲
نقض حاکمیت ملی در دوره قاجار	۷
حمایت بیگانگان از خودمختاری آذربایجان و کردستان	۶
اشغال ایران در جنگ‌های جهانی	۸
طراحی و اجرای کودتای ۲۸ مرداد	۸
واگذاری نقش ژاندارمی منطقه خلیج فارس به ایران	۵
واگذاری منطقه قره‌سو در قرارداد آرات	۳
واگذاری دشت ناهید به افغانستان در دوره رضاشاه	۲
وابستگی به آمریکا از ترس شوروی در دوره پهلوی دوم	۴
فروش سلاح‌های راهبردی به ایران (فرصت)	۴

تغییرات ژئوپلیتیک بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، موقعیت ژئوپلیتیک ایران دستخوش تغییرات اساسی شد که تأثیرات عمیقی بر امنیت ملی و سیاست‌های خارجی این کشور داشت. سقوط حکومت پهلوی، فروپاشی شوروی و بلوک شرق، حمله عراق به ایران، جنگ خلیج فارس، جنگ‌ها و درگیری‌های متمادی اعراب و اسرائیل، اهمیت پیدا کردن عامل اقتصاد و اشغال عراق توسط آمریکا از جمله تحولات عمده در دهه‌های اخیر است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۵۵). مهمترین عناصر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی عبارتند از:

- ۱- افزایش اهمیت منطقه خاورمیانه و خلیج فارس؛ «خلیج فارس در نظریه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بین‌المللی‌ترین منطقه دنیا است که به سبب برخورداری از منابع انرژی و موقعیت ژئو اکونومیک، جایگاه مهمی را برای ایفای نقش بازیگران در قالب همکاری رقابت کشمکش و منازعه فراهم می‌کند. بدین سان حضور مداوم بازیگران جهانی موجب شده تا خلیج فارس در کانون اهمیت جهانی قرار بگیرد» (گودرزی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۲) ایران با دارا بودن ۲۸ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی و ۵۹ میلیارد بشکه نفت، مهمترین کشور منطقه از نظر ذخایر انرژی فسیلی است.
- ۲- تبدیل ایران به مسیر اتصال کشورهای جدا شده از شوروی سابق به خلیج فارس و دریای عمان؛
- ۳- جدایی ایران از بلوک غرب؛ یکی از نخستین تغییرات مهم پس از انقلاب، جدایی ایران از بلوک غرب بود. این جدایی به دلیل تغییرات ایدئولوژیک و سیاسی، به ویژه پس از قطع روابط با ایالات متحده به وجود آمد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره بیان کرد: «این جدایی نه تنها منجر به انزوای ایران شد، بلکه توانست به نوعی هویت جدیدی برای ما به وجود بیاورد و از ما یک کشور مستقل بسازد.»
- ۴- تبدیل ایران به مرکز نشر فرهنگ انقلابی‌گری و استقلال‌خواهی؛ موضوع صدور فرهنگ انقلاب که از سوی امام خمینی مطرح گردید، ایران را به کانون توجه حکومت‌های مرتجع و دیکتاتور منطقه از یک سو و نظام سلطه از سوی دیگر تبدیل کرد.
- ۵- در پایان جنگ سرد و قطب‌بندی جدید، فروپاشی شوروی فرصت‌هایی را برای منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده و نقش ایران از مدل «سد نفوذ» به «بازیگری مستقل» تبدیل شده است اما از سوی دیگر تحول و جابجایی قدرت امکان حضور بازیگری و حتی در مواردی قدرت بازیگردانی را برای دیگران از جمله اسرائیل و آمریکا در این منطقه فراهم آورده است لذا

وضعیت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در حیطه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، آمیخته‌ای از فرصت و تهدید است. (شمخانی، ۱۳۷۷: ۱۸)

۶-ضدیت با حضور آمریکا در منطقه؛ جمهوری اسلامی نه تنها از اتحاد استراتژیک با آمریکا خارج شد بلکه از ابتدا با حضور این کشور در منطقه خلیج فارس مخالفت ورزید و منافع سلطه‌طلبانه آمریکا در منطقه و حتی در سایر نقاط جهان را به چالش کشید.

۷-پیشرفت‌های نظامی و دستیابی به سلاح‌های استراتژیک

۸-افزایش رقابت جهانی در مورد منابع انرژی؛ موقعیت جدید در تهدید یا تأمین امنیت ایران نقش دوگانه دارد و مانند شمشیر دو لبه است؛ اگر ایران از لحاظ داخلی دارای انسجام و کارآمدی باشد... می‌تواند از موقعیت جدید برای تأمین امنیت خود بهره‌بردار (حشمت‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۵).

۹-حمله آمریکا به عراق و افغانستان در همسایگی ایران؛ یکی از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره کرد: «این حملات نه تنها تهدیدات را افزایش داد، بلکه به ایران این امکان را داد که به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای برای تأمین امنیت خود عمل کند.»

۱۰-افزایش نیروهای نظامی کشور: تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج باعث افزایش نیروهای نظامی ایران شد. این افزایش قدرت نظامی به‌عنوان یک اقدام برای حفظ امنیت و استقلال کشور به‌شمار می‌رفت. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «این نهادها به ما این امکان را دادند که بر روی قدرت خود تمرکز کنیم و از هرگونه تهدید خارجی به بهترین شکل دفاع کنیم.»

جدول شماره ۴- پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه تغییرات ژئوپلیتیک بعد از انقلاب اسلامی

گزاره	فراوانی
جدایی ایران از بلوک غرب	۸
تهدید از سوی آمریکا و اسرائیل	۷
حمله آمریکا به عراق و افغانستان در همسایگی ایران	۸
افزایش نیروهای نظامی کشور به دلیل تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج	۶
افزایش اهمیت ایران برای غرب (به عنوان رهبر محور مقاومت)	۷
برهم خوردن توازن قدرت در منطقه غرب آسیا به زیان نظام سلطه	۸
تبدیل شدن ایران به حامی ملت‌های ستمدیده	۶

ژئوپلیتیک و امنیت ملی در دوره جمهوری اسلامی

در دوره جمهوری اسلامی، موقعیت ژئوپلیتیک ایران تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفت که تأثیرات قابل توجهی بر امنیت ملی این کشور داشت؛

۱- حمله نظامی عراق: حمله نظامی عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای امنیت ملی کشور بود. این جنگ نه تنها باعث تحمیل خسارات جانی و مالی سنگین به ایران شد، بلکه تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور داشت. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه گفت: «این جنگ به ما یاد داد که باید برای حفظ امنیت ملی مان آمادگی بیشتری داشته باشیم و به تأسیس نهادهای نظامی قدرتمند توجه کنیم.»

۲- ایجاد تنش میان ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس: روابط ایران با کشورهای عربی در دوره جمهوری اسلامی دچار تنش‌های فزاینده‌ای شد. این تنش‌ها معمولاً به دلیل اختلافات ایدئولوژیک و سیاست‌های خارجی ایران شکل گرفت. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره گفت: «تشدید این تنش‌ها نه تنها باعث نگرانی‌های امنیتی شد، بلکه بر توانایی ایران برای ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای تأثیر منفی گذاشت.» خصوصاً آمریکا با ایران استراتژی آمریکاست نه تاکتیک بنابراین هم جمهوری خواهان و هم دموکرات‌ها این سیاست را استمرار بخشیده‌اند؛ «کلیتون با مجموعه‌ای از اولویت‌های متفاوت نسبت به پیشینیان خود وارد کاخ سفید شد، با این حال تا آنجا که به خلیج فارس مربوط می‌شد، سیاست‌های پیشین به چالش کشیده‌نشده و او با استفاده از رویکرد درازمدت از قدرت آمریکا برای اطمینان از جریان آزاد نفت در منطقه استفاده کرد» (Lake, 1994: 45-55) ملاک قدرت در قرن ۲۱ توانمندی اقتصادی در سطح بین‌المللی است و خاورمیانه و به‌ویژه منطقه خلیج فارس از مناطق مهم ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک خواهد بود. طبیعی است ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای منطقه از لحاظ راهبردی و اقتصادی، از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود. (رحیم پور، ۱۳۸۱: ۵۸) خلیج فارس که هر روز اهمیت ژئوپلیتیک آن افزایش می‌یابد در دوره جمهوری اسلامی نیز منشأ ایجاد تنش‌های امنیتی برای ایران شد؛ خلیج فارس محل تقابل و رویارویی نیروهای متضاد با منافع متفاوت می‌باشد. عامل بیگانه با حضور مستقیم خود، نقش اصلی را در منطقه بازی می‌کند و این خود پیامد اوضاع داخلی منطقه است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۵۹).

۴- افزایش تعداد همسایگان ایران پس از فروپاشی شوروی: فروپاشی شوروی و ایجاد کشورهای جدید در همسایگی ایران، اهمیت ژئوپلیتیک ایران را افزایش داد. این وضعیت ایران را در موقعیت بهتری برای تعاملات اقتصادی و سیاسی قرار داد. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «این تغییرات به ما این فرصت را داد که روابط خود را با کشورهای تازه‌تأسیس در مرزهایمان تقویت کنیم و به نوعی از مزیت‌های ژئوپلیتیک خود بهره‌برداری کنیم.» با افزایش تعداد همسایگان، زمینه‌های جدیدی برای تجارت خارجی ایران فراهم شد. این امر به بهبود وضعیت اقتصادی و امنیت ملی کشور کمک کرد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: «این افزایش همسایگان به ما این امکان را داد که بتوانیم از ظرفیت‌های تجاری جدید استفاده کنیم و اقتصاد کشور را تقویت کنیم.»

۵- تحریم‌های اقتصادی: تحریم‌های اقتصادی که به دلیل برنامه هسته‌ای ایران و سیاست‌های خارجی این کشور وضع شده بود، تأثیرات منفی بر امنیت ملی داشت. این تحریم‌ها باعث کاهش منابع مالی و اقتصادی کشور شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «تحریم‌ها فشارهای اقتصادی شدیدی به مردم و دولت وارد کرد و این مسئله می‌توانست امنیت کشور را به خطر بیندازد.»

۶- تهدید ایران از سوی نظام سلطه؛ پس از انقلاب، ایران با تهدیدات فزاینده‌ای از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی مواجه شد. این تهدیدات به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده سیاست‌های دفاعی و امنیتی ایران مطرح گردید. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «ما پس از انقلاب به‌طور مداوم با تهدیدات جدی از طرف آمریکا و اسرائیل مواجه بودیم که این تهدیدات همواره در استراتژی‌های ما مورد توجه قرار گرفت.» تلاش برای تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب آغاز شد؛ حمایت و تجهیز گروهک‌های ضد انقلاب به منظور اجرای عملیات تروریستی متعدد در سال‌های آغازین نظام، حمله نظامی و جنگ ۸ ساله با ایران، هدف قراردادن هوایمای مسافری ایران، تحریم اقتصادی، تشویق مردم به عدم مشارکت در انتخابات، تلاش برای کاهش جمعیت در راهپیمایی‌های مناسبی، تشویق و حمایت از آشوبگران در مقاطع گوناگون، خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و حمله نظامی مستقیم در سال ۱۴۰۴ از سوی این کشور تنها بخشی از تهدیدهای امنیت ملی ایران از سوی نظام سلطه به ویژه ایالات متحده آمریکا می‌باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص گفت: «این تهدیدات همواره در ذهن مردم وجود داشت و ما را وادار به اتخاذ تدابیر امنیتی بیشتری می‌کرد.»

۷- تقابل غرب با برنامه هسته‌ای ایران: برنامه هسته‌ای ایران موجب تقابل با کشورهای غربی شد که تأثیرات جدی بر سیاست‌های امنیتی و نظامی کشور داشت. این تقابل نه تنها باعث افزایش تنش‌ها شد، بلکه ایران را به سمت تقویت زیرساخت‌های دفاعی سوق داد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت: «این وضعیت ما را مجبور به تقویت برنامه‌های دفاعی و نظامی کرد و باعث شد که بیشتر بر روی ظرفیت‌های داخلی خود تمرکز کنیم.»

۸- نقض تعهدات آلمان در زمینه نیروگاه هسته‌ای: عدم انجام تعهدات کشورهای خارجی در زمینه همکاری هسته‌ای، به‌ویژه آلمان، یکی دیگر از چالش‌های امنیت ملی ایران بود. این موضوع نشان‌دهنده وابستگی ایران به همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه فناوری‌های هسته‌ای بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «این وضعیت ما را وادار کرد که بیشتر به ظرفیت‌های داخلی خود اتکا کنیم و از وابستگی به دیگر کشورها فاصله بگیریم.»

تحولاتی مانند حذف حکومت صدام در عراق باعث شد تا ایران به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در معادلات سیاسی عراق ظاهر شود. به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳، ایران با حمایت از گروه‌های مختلف در عراق، به‌خصوص گروه‌های شیعه، توانست نقش خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت کند. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان افزود: «ما توانستیم از این فرصت استفاده کنیم و در عین حال نفوذ خود را در بین گروه‌های مختلف افزایش دهیم، که این موفقیت به‌نوبه خود به تقویت امنیت ملی ایران کمک کرد.» این تغییرات به ایران این امکان را داد تا به‌عنوان یک محور مقاومت در برابر تهدیدات خارجی، به ویژه از سوی آمریکا و اسرائیل، شناخته شود.

جدول شماره ۵- پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه تأثیر ژئوپلیتیک بر امنیت ملی در دوره جمهوری اسلامی

گزاره	فراوانی
حمله نظامی عراق به ایران	۷
مهاجرت افغان‌ها و تهدید امنیت اجتماعی	۸
تشدید تنش میان ایران و کشورهای عربی	۷
افزایش اهمیت ژئوپلیتیک ایران به دلیل افزایش تعداد همسایگان در سال ۱۹۹۱	۶
افزایش زمینه تجارت خارجی به دلیل افزایش همسایگان	۶
تحریم‌های اقتصادی	۷

۷	تهدیدهای امنیتی مانند: کودتا، ترور و بمب‌گذاری
۶	تقابل غرب با برنامه هسته‌ای ایران
۳	عدم انجام تعهدات آلمان در زمینه احداث نیروگاه هسته‌ای
۶	حمله آمریکا به عراق و حذف تهدید حزب بعث

واکاوی دلایل حفظ تمامیت ارضی در دوره جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ ایران با چالش‌های امنیتی متعددی مواجه شد. با این حال، تمامیت ارضی کشور حفظ شد و عوامل متعددی در این موفقیت نقش داشتند. در ادامه به بررسی این عوامل و نظرات مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌پردازیم

۱- افزایش قدرت نرم نظام سیاسی: قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی به‌عنوان یک عامل کلیدی در حفظ تمامیت ارضی کشور مطرح شد. این قدرت نرم به دلیل دیپلماسی فعال، فرهنگ، و ارزش‌های اسلامی به وجود آمد. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «قدرت نرم ما در سطح بین‌المللی به‌طور قابل توجهی افزایش یافته بود و این به ما کمک کرد تا از خطرات خارجی و تهدیدات امنیتی در امان بمانیم.»

۲- مردم‌سالاری دینی: ساختار سیاسی مردم‌سالاری دینی، حس تعلق و مالکیت را در میان مردم تقویت کرد. این احساس مالکیت باعث شد که مردم از تمامیت ارضی کشور دفاع کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «مردم احساس می‌کردند که کشور متعلق به خودشان است و این امر آنها را وادار به محافظت از سرزمینشان کرد.»

۳- نقش رهبری: رهبری در دوران پس از انقلاب همواره نقش مهمی در حفظ تمامیت ارضی ایفا کرده است؛ یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره اظهار داشت: «رهبری قوی و شفاف، مردم را به سمت اهداف مشترک سوق داد و آنها را در برابر تهدیدات خارجی متحد کرد.»

۴- ایمان و عقیده: ایمان و اعتقاد به ارزش‌های اسلامی و ملی نیز یکی دیگر از عوامل حفظ تمامیت ارضی بود. این ایمان و اعتقاد موجب شد که مردم برای دفاع از کشور خود متعهد باشند. یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: «ایمان به حقانیت نظام و عقاید اسلامی به ما نیرو و قدرت داد تا در برابر تهدیدات بایستیم.»

- ۵- پیشرفت‌های علمی در زمینه صنایع نظامی: ایران در دوره جمهوری اسلامی به پیشرفت‌های علمی قابل توجهی در زمینه صنایع نظامی دست یافت. این پیشرفت‌ها به کشور این امکان را داد تا از نظر نظامی مستقل باشد و از تهدیدات دفاع کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «توانمندی‌های نظامی ما در برابر چالش‌های خارجی موجب حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور شد.»
- ۶- حضور مردم در همه عرصه‌ها: حضور فعال مردم در تمامی عرصه‌ها، از جمله دفاع، سیاست، و اقتصاد، به حفظ تمامیت ارضی کمک کرد. این حضور به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی مشهود بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «مردم در همه زمینه‌ها حاضر بودند و این حضور نشان‌دهنده تعهد آنها به کشور بود.»
- ۷- سابقه تمدنی ایران و هویت ملی: تاریخ و هویت ملی ایران، به‌ویژه سابقه تمدنی آن، نقشی اساسی در حفظ تمامیت ارضی ایفا کرد. این هویت ملی موجب شد که مردم از سرزمین خود دفاع کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت: «سابقه تاریخی و هویتی ما به ما انگیزه می‌دهد تا از تمامیت ارضی خود دفاع کنیم و در برابر تهدیدات ایستادگی کنیم.»
- ۸- قدسی شدن مرزهای کشور: مفهوم قدسی شدن مرزهای کشور، در دوره جمهوری اسلامی، به‌ویژه با تأکید بر دفاع از ارزش‌های اسلامی، اهمیت زیادی پیدا کرد. این مفهوم موجب شد که مردم احساس کنند که دفاع از مرزها یک وظیفه مقدس است. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «قدسی شدن مرزها به ما این احساس را داد که باید به هر قیمتی از سرزمین مان دفاع کنیم.»
- ۹- تقابل ابرقدرت‌ها با یکدیگر: درگیری‌ها و تقابل‌های ابرقدرت‌ها در سطح جهانی نیز به حفظ تمامیت ارضی ایران کمک کرد. این وضعیت باعث شد که ایران به‌عنوان یک بازیگر مستقل در منطقه باقی بماند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «تقابل ابرقدرت‌ها به ما این امکان را داد که از فرصت‌ها بهره‌برداری کنیم و به‌عنوان یک کشور مستقل و با اقتدار در صحنه جهانی مطرح شویم.»
- تمامی این عوامل نشان می‌دهند که ایران با وجود تهدیدهای امنیتی و چالش‌های متعدد، توانسته است تمامیت ارضی خود را حفظ کند. همبستگی ملی، رهبری قوی، و احساس مالکیت مردم از جمله دلایل اصلی این موفقیت به شمار می‌آید.

جدول شماره ۶- پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه دلایل حفظ تمامیت ارضی در دوره جمهوری اسلامی

گزاره	فراوانی
افزایش قدرت نرم نظام	۶
مردم‌سالاری دینی و احساس مالکیت کشور از سوی مردم	۶
نقش رهبری	۷
ایمان و عقیده	۷
پیشرفت‌های علمی در زمینه صنایع نظامی	۶
حضور مردم در همه عرصه‌ها	۸
سابقه تمدنی ایران و هویت ملی	۶
قدسی شدن مرزهای کشور	۴
تقابل ابرقدرت‌ها با یکدیگر	۴

نتیجه‌گیری

تفاوت اصلی تحقیق حاضر با پژوهش‌های قبلی این است که به بررسی رابطه متغیر «موقعیت ژئوپلیتیک» بر «امنیت ملی ایران» در دو مقطع تاریخی پرداخته و از منابع دست اول بهره گرفته است. قرن ۱۹ میلادی اوج رقابت ابرقدرت‌ها برای استعمار و سلطه بر مناطق مختلف دنیا در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود. در این میان مناطقی که از اهمیت ژئوپلیتیک بیشتری برخوردار بودند بیشتر مورد هجوم قرار گرفتند لذا منطقه خاورمیانه یکی از مهمترین مناطق هدف استعمار بود. ایران در طول قمر ۱۹ و ۲۰ از چند بعد دارای اهمیت ژئوپلیتیک بود: همسایگی با خلیج فارس و تنگه هرمز، قرار گرفتن میان دریای خزر و خلیج فارس، قرارگرفتن در منطقه موسوم به خاورمیانه و مسیر تجارت جهانی، همسایگی با هند به عنوان بزرگترین مستعمره انگلیس، تبدیل شدن به یک کشور نفت‌خیز و در نهایت، همسایگی با شوروی به عنوان رهبر بلوک شرق. اهمیت ژئوپلیتیک به صورت بالقوه می‌تواند به افزایش قدرت ملی و تامین امنیت ملی منجر شود اما چنانچه نظام سیاسی از کارآمدی لازم برخوردار نباشد، اهمیت ژئوپلیتیک به عامل تهدید تبدیل می‌شود. در تاریخ معاصر (تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) برخورداری از موقعیت ویژه جغرافیایی باعث توجه استعمارگران و هجوم

آنها به ایران شد و حکومت‌ها به دلایل گوناگون قادر به دفاع از تمامیت ارضی کشور نبودند؛ حکومت قاجار فاقد مقبولیت بود و حکومت پهلوی نیز دچار بحران مشروعیت و مقبولیت به صورت توأمان بود و قدرت ایستادگی در برابر هجوم ابرقدرتها هارا نداشتند در نتیجه استقلال سیاسی ایران از بین رفت، بخش‌های وسیعی از خاک ایران از این کشور منفک شد و اقتصاد کشور با انعقاد قراردادهای استعماری و واگذاری امتیازات دچار بحران شد. در مجموع موقعیت ژئواستراتژیک ایران امنیت ملی کشور را به پایین‌ترین سطح رساند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اکثر عناصر ژئوپلیتیک سابق همچنان پابرجا بود و ابعاد جدیدی نیز به موقعیت ژئوپلیتیک ایران افزوده شد، مانند: جابه‌جایی ایران در بلوک بندی قدرت، ترس نظام سلطه و مرتجعین از تصدی رهبری جهان اسلام توسط ایران، حمایت ایران از مستضعفان و مظلومان جهان و ضدیت جمهوری اسلامی با حضور آمریکا در منطقه. در نتیجه اقدامات ضد امنیتی علیه ایران تشدید شد و جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک و استقلال از ابرقدرت-ها در معرض انواع حمله‌های امنیتی قرار گرفت و خسارت‌های زیادی متحمل شد. اوج تهدید امنیت ایران جنگ تحمیلی بود با این حال عوامل ژئوپلیتیک در یک سیستم در کنار عواملی مانند مشروعیت نظام سیاسی، رهبری ولی فقیه، روحیه انقلابی و... قرار گرفت و از نظر تمامیت ارضی در طول ۴۵ سال و با وجود حمله نظامی یک ارتش مجهز تمامیت ارضی کشور حفظ شد و حتی یک روستای کوچک از ایران جدا نشد. در زمینه استقلال سیاسی نیز هم دوستان و هم دشمنان انقلاب به این موضوع اعتراف می‌کنند که ایران کشوری مستقل است. امنیت ملی ایران در دو بُعد «حفظ استقلال سیاسی» و «حفاظت از تمامیت ارضی» دچار هیچ خدشه‌ای نشد اما دشمنان نظام توانستند در حوزه اقتصاد مشکلاتی را برای شهروندان ایرانی ایجاد کنند. یکی از عوامل نفوذپذیری در حوزه اقتصادی این است که این حوزه در اختیار قوه مجریه با گرایش‌ات سیاسی متفاوت بوده و در برخی موارد آن‌گونه که شایسته بود، انقلابی عمل نکردند. لذا اقتدار نظامی و سیاسی کشور می‌تواند الگوی مناسبی برای قوه مجریه و متصدیان اقتصاد باشد تا با اتخاذ مواضع انقلابی و ولایت‌مدارانه اقتصاد کشور را از آسیب‌پذیری برهانند.

فهرست منابع

- اسدی، بیژن (۱۳۹۲). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، اصغر؛ دبیریان، فردین (۱۴۰۲). تعیین نظام اولویت‌بندی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش بُردا. امنیت ملی، ۱۴(۵۲)،
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۷). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بهار، مهدی (۱۳۵۷). میراث خوار استعمار، تهران: انتشارات امیرکبیر
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۶۲). سیاست‌های استعماری روسیه، انگلستان و فرانسه در ایران، تهران: انتشارات اقبال.
- حاجی‌زاده، قباد (۱۳۹۸). امنیت ملی، تهران: انتشارات قانون‌یار.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حسنی، فرزین؛ مرادیان، محسن؛ ذوالفقاری، حسین؛ کلاتری، فتح‌الله (۱۴۰۲). عوامل موثر بر امنیت پایدار مرزهای استان آذربایجان غربی با تأکید بر عامل اقتصادی، امنیت ملی، ۱۳(۵۰)، ۸۵-۱۲۰
- حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۷)، «میزگرد: تحولات جدید ژئوپولیتیک منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات خاورمیانه، ۶(۱۵-۱۴)، ۵-۵۴
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). ویژگی‌های بافتار ژئوپلیتیک ایران عصر قاجار از منظر سفرنامه‌نویسان روسیه»، تاریخ اسلام و ایران، ۲۱(۱۲)، ۱۰۵-۱۴۲
- دهقان‌نژاد، مرتضی؛ محمودآبادی، علی اصغر؛ آقازاده، اصغر (۱۳۹۰). واکاوی آغاز دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه. مطالعات تاریخ اسلام، ۳(۱۰)، ۳۷-۵۵
- درویشی، فرهاد (۱۳۷۶). تأملی نظری بر امنیت ملی: تهدیدها و رهیافت‌ها، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی سپاه
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک خلیج فارس: ایران و آمریکا، تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی، ره‌آورد سیاسی، ۰(۱۵)، ۳۱-۴۶.
- رحیم‌پور، علی (۱۳۸۱). تحولات ژئواستراتژیک در سده بیست و یکم و جایگاه منطقه و ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۷(۳-۴)، ۰-۰
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل پیامدهای عهدنامه گلستان. پارسه، ۱۴(۲۳)، ۱۰۵-۱۲۲
- رسولی، مجید؛ اسلامی، محسن؛ مرتضایی، نرگس (۱۴۰۲). تبیین وزن ژئوپلیتیکی ایران در معادلات امنیتی منطقه غرب آسیا در دوران گذار، امنیت ملی، ۱۳(۴۸)، ۳۰-۵۶

- رفیع، حسن (۱۳۸۷). دانش‌واژه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در دنیای اطلاعات با تأکید بر مورد ایران، سیاست، ۳۸ (۳)، ۹۵-۱۱۶.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۹). بررسی احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد: نخستین اثر در تکوین ادبیات جهادی در تاریخ معاصر ایران، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۵۵ (۹۷۹)، ۰-۰.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۴). شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۰ (۲-۱)، ۰-۰.
- شمخانی، علی (۱۳۷۷). میزگرد: تحولات جدید ژئوپلیتیک منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات خاورمیانه، ۶ (۱۵-۱۴)، ۵-۵۴.
- طائر، محمد (۱۳۹۳). تحلیل علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز در امنیت ایران با تحلیل فرآیند سلسله‌مراتبی. علوم و فنون نظامی، ۱۰ (۲۷)، ۱۰۸-۱۳۱.
- عباسی‌سمنانی، علیرضا (۱۳۹۲). موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان. ۲۲ (۸۶)، ۹۶-۱۰۴.
- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۲). جهانی شدن تهدید، مطالعات راهبردی، ۶ (۱)، ۱۶۳-۱۴۳.
- فتاحی‌اردکانی، حبیب‌الله (۱۳۷۴). آشنایی اجمالی با مفهوم ژئوپلیتیک، مطالعات راهبردی بسیج، ۲ (۶-۵)، ۱۶۳-۱۶۶.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳). امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی. مطالعات راهبردی، ۷ (۴)، ۶۹۵-۶۶۹.
- کریمی‌مله، علی؛ بابایی، اکبر (۱۳۹۷). امنیت ملی از منظر امام خمینی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گودرزی، مهناز؛ محمدزاده‌ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۶). جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تنگه هرمز در سیاست منطقه‌ای ایران، سیاست جهانی، ۶ (۳)، ۱۲۴-۱۰۳.
- متقی، افشین؛ قره‌بیگی، مصیب (۱۳۹۴). چالش‌های گفتمان سیاست خارجی ایران در راستای دگرگشت‌های نوپدید در سامانه ژئوپلیتیک جهانی. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۲ (۸)، ۱۵۰-۱۳۷.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپولوتیک و واقعیت‌های ایرانی: مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون‌شونده، تهران: نشرنی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴). سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران: نشر دادگستر.

مختاری ه‌شی، حسین(۱۳۹۷). تبیین مفهوم ژئواکونومی و تو صیه‌هایی برای ایران، ژئوپلیتیک، ۱۴(۲)، ۵۶-۸۲

مرادیان، محسن؛ جمشیدیان، هادی و کرمی، رضا(۱۳۹۰). شاخص‌های امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد دفاعی، ۹(۳۳)، ۳۵-۶۸

مشیری، محمد(۱۳۴۷). شرح مأموریت آجودانباشی در سفارت اتریش، فرانسه و انگلستان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات محمدعلی علمی.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ(۱۳۸۴). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر پیکان.

Allen, J.and Steel(2010). Addressing Geopolitical Challenges, the Smart power Approach. Government Business Council,Booz. Allen. Hamilton.

Alterman John.B,(2013). China's Balancing Act in the Gulf, CSIS Gulf Analysis Paper, August, <https://www.csis.org/analysis/chinas-balancing-act-gulf>

Fernandez, Amirah.H,(2013), Libya and the problematic political Isolation Law, Elcano Royal Institute, 20/6/2013,URL, <https://www.files.ethz.ch/isn>

Glassner,Martin.ErA(1993). political Geography, Canada: John Wiley and sons

Chevalier, Jean-Marie,(2004). Les grandes btailles de l'énergie (Paris: Gallimard

Lake, Anthony,(1994) "Confronting Backlash States", *Foreign Affairs* 73(2),42-55

Martingui, Ana and Youngs, Richard (2011). Geo- Economic Futures, in Challenges for European Foreign Policy in 2012: What kind of geo-economic Europe? Madrid:Spain: FRIDE.

Sick,Gary, (2003). The United States in the Persian Gulf. From Twin Pillars to Dual Containment", in David M. Lesch, ed., *The Middle East and the United States. A Historical and Political Reassessment* (Boulder, CO: Westview Press) 291-307.